

## هیچ پدیده مطلقاً خوب و مطلقاً بد نیست و کرزی نیز از این امر مستثنی نیست !

بالاخر نوشته من تحت عنوان « حقانیت رئیس جمهور کرزی در دفاع از حاکمیت ملی » خردمندانی چون محترم آقای عباسی، محترم دوکتور غروال، محترم دوکتور ارغندیوال، محترم دوکتور سید عبدالله کاظم و محترم ایمل خان فیضی، به روش بسیار مؤدب و انسانی اعتراضات شانرا در پورتال وزین افغان جرمن آنلاین به نشر رسانده اند، که در استدلال هریک شخصیت های محترم بخشی از واقعیت و حقیقت نهفته است، اما من در اینجا توان و حوصله خود را، از پرداختن به چگونگی نظرات هریک عاجزمی بینم، کاش دانش و حوصله محترم دوکتور عبدالله کاظم را میداشتم که در مدت بسیار ناچیز بصورت حیرت انگیز توانسته اند مقالات مرا از نظر گزارنده و با نقل از بخش های شش مقاله گذشته ام در واقعیت امر به اصطلاح با منطق خودم، خودم را پر خچه پرانک نموده اند.

البته وجه فارق نوشته مورد بحث امروزی من با نوشته های دیروزیم در اینست که در حوزه سیاسی هیچ مقصد و غایت ثابتی دیده نمیشود، بخصوص در کشور ما بسرعت اوضاع در حال تغییر و تحول است، هر روز رنگ و معنی عوض میشود و لذا نوشته من بنا بر سخنان و مواضع امروز آقای کرزی رقم یافته است. و مرا منطق و عادت بر اینست که به مواضع فکری و عملکرد افراد و گروه های کشورم در گذشته زیاد سختگیر نباشم بلکه بیشتر به شرایط اجتماعی، فرهنگی و مکتب های فلسفی سیاسی و مذهبی بیاندیشم که انسانها را در چنان وضع بد و ناهنجار و یا خوب قرار داده است.

در کار نقد تحلیلی مشخص کردن معایب و محاسن مطرح است یا به عباره دیگر تمیز خوب از بد، نه صرفاً همواره نشان دادن معایب و دریک جمله نباید تمام گفتار و کردار کسی را کاملاً سیاه و یا کاملاً سفید دید.

من علاوه از انتقاداتیکه دیروز نسبت به دولت کرزی داشته ام بعد از این نیز خواهم داشت ولی اگر نکات مثبتی را در گفتار و کردار دولت مذکور ببینم از آن تمجید و حمایت خواهم کرد، زیرا اینرا دریافته ام که آنچه مردم فقیر و روشنفکران افغانستان از رئیس جمهور کرزی انتظار دارند با آنکه حق شان است ولی اجرای آن به این زودیها از قدرت او و هر فرد دیگری که بجای وی قرار گیرد بدور از امکان است زیرا دست کرزی کاملاً باز نیست و در محدودیتی از قدرت قرار دارد که این محدودیت قدرت تا حدود زیادی بوضع نیروهای داخل جامعه و دولت و همچنان حمایت حامیان بین المللی وی ارتباط میگیرد، وضع جامعه کاملاً روشن است که مردم به مفهوم واقعی بیک ملت واحد مبدل نشده و دولت بیک دولتی بر پایه منطقی و قانونمند نرسیده است، ساختار جامعه بصورت قومی، قبیله وی بوده و روابط انسانها در آن بر پایه مذهبی، سنتی، زبانی و عاطفی استوار است.

اگر قبل از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و قبل از جنگهای داخلی و خارجی اقوام داخل کشور و دولت در زمینه های مختلف یک مقدار وحدت و امتزاج یافته بودند، متأسفانه در دوران جنگها تا حدود زیادی از هم گسست و به عقب برگشتند، همه شاهدیم افراد و نیروهایی که در دوران جنگها تبارز نمودند اکثریت قاطع آن بر اساس منفعت شخصی و گروه های قومی و در زد و بند با دولت های حامی شان بجای در نظر گرفتن منافع ملی و رفتن به سمت و سوی وحدت ملی و حمایت از دولت مرکزی بالعکس با استفاده از آن فرصت از یکطرف هریک در درون نهاد های دولت تلاش کرده اند تا قدرت بیشتر و مقامات بالاتری را از طریق رقابت ناسالم بدست آرند و از طرف دیگر سعی کرده اند به بهانه های مختلف مثل فدرالیزم خواهی و تجزیه طلبی و غیره به تقویت قدرتهای محلی خود بیفزایند، که بدین ترتیب وضعیت خود سری، بی اعتمادی و بی ثباتی را در جامعه و دولت دامن زده اند و روز تا روز بر تشدید بحران در افغانستان افزوده اند.

دولت امریکا و دولت های ائتلاف بین المللی در مورد افغانستان شاید به این فکر باشند که در حال حاضر که جنگ با طالبان و القاعده در جریان است نباید جنگسالارها را از خود راند تا مبادا جبهه جنگ دیگری ایجاد گردد. بنابراین دولت با ترکیبی از عناصر ویرانگر، فاسد شده میروود و هر آن اوضاع به فقیر شدن اکثریت و ثروتمند گردیدن یک اقلیت می انجامد و فضای بی اعتمادی بین دولت و مردم افزونتر شده میروود، دولت های همسایه هم سعی فراوان بکار می برند تا آتش جنگ را در کشور ما شعله ورتر نمایند، لذا در تحت چنین شرایطی درست و به منفعت ملی نخواهد بود که اگر کرزی یک حرفی در دفاع از استقلال و حاکمیت ملی گفت فوراً آنرا رد کرده و بگوئیم هیچ سودی در بر ندارد.

اینکه جناب کرزی به امریکائی ها میگوید خانه های مردم بیگنا را بمبارد نکنید و زیر نام سیکوریتی دولتی در دولت افغانستان بوجود نیاورید و خود سرانه پای روسها را در جنگ افغانستان داخل نکنید و ده ها انتقاد دیگر همه

بجاست و انصافاً هیچ وقت دیده و شنیده نشده که کسی تا این حد بدولت حامی خود چون امریکا با چنان جسارت انتقاد نموده باشد، خوشبختانه انتقادات جناب کرزی یک مقدار نتیجه مثبتی در بر داشته از جمله اخیراً مثل سابق دیگر حق و ناحق خانه های مردم بمباردمان نمیشود و اینراهم بالاخره غربی ها پذیرفته اند که مراکز تربیه، تجهیز و فرستادن تروریست ها به افغانستان از خاک پاکستان صورت میگیرد و کار زمام داران آنکشور است.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادښت: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په ځیر و لولئ